



# ۱۲ توصیه امام خامنه‌ای برای استفاده بهتر از لیالی قدر

مروری بر برخی از توصیه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی برای استفاده هرچه بهتر و کامل‌تر از لیالی قدر ماه مبارک رمضان

## ● با آمادگی معنوی وارد شب قدر شوید

در ماه رمضان هم در همه روزها و شب‌ها دل‌هایتان را هرچه می‌توانید با ذکر الهی نورانی‌تر کنید، تا برای ورود در ساحت مقدس لیلة‌القدر آماده شوید، که: «لیلة‌القدر خیر من الف شهر\* تنزل الملائكة والروح\* فیها یاذن ربه من کل امر». شبی که فرشتگان، زمین را به آسمان متصل می‌کنند، دل‌ها را نوربیاران و محیط زندگی را با نور فضل و لطف الهی منور می‌کنند. شب سلم و سلامت معنوی - «سلام هی حتی مطلع الفجر» - شب سلامت دل‌ها و جان‌ها، شب شفای بیماری‌های اخلاقی، بیماری‌های معنوی، بیماری‌های مادی و بیماری‌های عمومی و اجتماعی که امروز متأسفانه دامان بسیاری از ملت‌های جهان، از جمله ملت‌های مسلمان را گرفته است! سلامتی از همه این‌ها، در شب قدر ممکن و میسر است؛ به شرطی که با آمادگی وارد شب قدر شوید. ۱۳۷۶/۰۹/۰۵

## ● ساعات لیلة‌القدر را مغتنم بشمارید

قدر لیلة‌القدر را باید دانست، ساعات آن را باید مغتنم شمرد و کاری کرد که ان‌شاء الله قلم تقدیر الهی در شب‌های قدر برای کشور عزیز و آزاد ملت ما تقدیری آن‌چنان‌که شایسته مردم مؤمن و عزیز ماست، رقم بزند. ۱۳۸۲/۰۸/۲۳

## ● از زائل مادی خود را دور کنید

ما باید امیدوار باشیم، دعا کنیم و بکوشیم از این شب‌های لیالی قدر را برای عروج معنوی خود استفاده کنیم؛ چون نماز معراج و وسیله عروج مؤمن است. دعا هم معراج مؤمن است، شب قدر هم معراج مؤمن است. کاری کنیم عروج کنیم و از مزبله مادی که بسیاری از انسان‌ها در سراسر دنیا اسیر و دچار آن هستند، هرچه می‌توانیم، خود را دور کنیم. دل‌بستگی‌ها، بدخلقی‌ها - خلقیات غیرانسانی، ضدانسانی - روحیات تجار و زکرائه، افزون‌خواهانه و فساد

## سیره عملی برخی از علما و بزرگان درباره نماز

در مسیر بندگی خدا حرکت کردن و عبادت پروردگار امری است که بدون آن بشر به کمال واقعی خود نخواهد رسید و پله‌های سعادت را نخواهد پیمود، در این میان عالمان و دانشمندان اگرچه دارای نبوغ فکری و اندیشه بلندی بوده‌اند ولی از عبادات الهی و توفیقات خداوندی بی‌بهره نبوده‌اند حتی در بسط دامنه توفیقات خویش به‌واسطه نماز از خدای خویش مدد می‌گرفتند. به‌عنوان نمونه به سیره عملی برخی از علما و بزرگان در نماز اشاره می‌کنیم.

### ● حضرت امام خمینی علیه السلام و تقید به نماز اول وقت

حجت‌الاسلام انصاری می‌گوید: امام در روزهای آخر عمرشان می‌خواستند بخوانند به من فرمودند: اگر خوابیدم برای اول وقت نماز صدایم بزن گفتیم: چشم دیدم اول وقت شد و امام خوابیده‌اند حیفم آمد صدایشان بزنم. عمل جراحی، سرم به‌دست، گفتم صدایشان بزنم بهتر است. چند دقیقه‌ای از اذان گذشت و امام چشم‌هایشان را باز کردند. گفتند: وقت شده؟، گفتم: بله امام فرمودند: چرا صدایم زدی؟ گفتم: ده دقیقه بیشتر وقت نگذشته است. گفتند: مگر من به شما نگفتم. امام سپس فرزندش را صدا زدند که «احمد بیبا» و فرمودند: ناراحت، از اول عمرم تا حالا نماز را اول وقت خوانده‌ام چرا الآن که پاهم لب‌گور است، ده دقیقه تأخیر افتد. (۱)

### ● آخوند خراسانی علیه السلام و تقید به نماز جماعت و نافله‌ها

مؤلف کتاب «حیوة الاسلام» می‌نویسد: «آخوند در دو وقت صبح و مغرب، نماز به جماعت می‌گذارد الا در ماه مبارک رمضان که هر سه وقت نماز را به جماعت ادا می‌نمود و نوافل شبانه روزی از آن جناب فوت نمی‌شد، لکن نه صرف ادا تکلیف باشد بلکه روح جذبیه حق از عبادتش هویدا بود». (۲)

علامه امینی علیه السلام و عشق به نماز علامه امینی علیه السلام مدت سه شب در حرم امام رضا علیه السلام بود و هر شب هزار رکعت نماز می‌خواند به او گفتند: شما خسته نمی‌شوید؟ فرمود: مگر ماهی از شنا خسته می‌شود که من از نماز خسته شوم؟! (۳)

### ● مرحوم سیدمرتضی علیه السلام و عشق به نماز

این عالم ربانی در هنگام مرگ وصیت کردند که: «تمام نمازهای مرا که در طول عمرم خوانده‌ام به نیابت از من دوباره بخوانید». وقتی از علت آن سؤال کردند، این‌طور جواب فرمودند: «من علاقه‌مند به نماز و عاشق راز و نیاز با خدا بودم و از آن لذت فراوان می‌بردم و همیشه قبل از رسیدن وقت نماز برای آن لحظه شماری می‌کردم. به همین دلیل شاید نمازهای من صد درصد خالص برای خدا نبوده و لذت روحی خودم در به‌جا آوردن آن‌ها نقش داشته و نمازی که یک درصد هم برای غیر خدا باشد، شایسته درگاه خدا نیست». (۴)

### ● بوعلی سینا علیه السلام و حل مشکلات علمی با نماز

ایشان هرگاه در فهم و حل مسئله‌ای در می‌ماندند، بر می‌خاست و وضو می‌گرفت و به سوی مسجد جامع می‌رفت. در آن‌جا نماز می‌خواند و به درگاه خدا برای حل مشکل دعا می‌کرد و فهم و حل آن مسئله برایش آسان می‌شد. (۵)

### ● آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی علیه السلام و شصت‌سال نماز جماعت

در یادداشت‌های این عالم ربانی آمده است: «هنگامی که در قم سکونت کردم صبح‌ها در حرم حضرت معصومه علیها السلام اقامه نماز جماعت نمی‌شد و من تنها کسی بودم که این سنت را در آن‌جا رواج دادم و از شصت سال پیش به این طرف صبح زود و پیش از باز شدن درهای حرم مطهر و زودتر از دیگران می‌رفتم و منتظر می‌ایستادم. در زمستان‌ها بیلچه‌ای کوچک به‌دست می‌گرفتم و راه خود را به طرف صحن باز می‌کردم تا خود را به حرم برسانم. در آغاز خود به تنهایی نماز می‌خواندم. تا پس از مدتی یک نفر به من اقتدا کرد و پس از آن افراد دیگر هم آمدند و به این ترتیب نماز جماعت را در حرم آغاز کردم». در وصیت‌نامه ایشان آمده است: «سجاده‌ای که هفتاد سال بر روی آن نماز شب به‌جا آورده‌ام و تسبیحی از تربت امام حسین علیه السلام

که با آن در سحرها به عدد دانه‌هایش استغفار کرده‌ام با من دفن شود». (۶)

### ● آیت‌الله قاضی علیه السلام و سفارش به نماز شب

علامه طباطبایی علیه السلام فرمودند: چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم گاهی به محضر مرحوم قاضی شرفیاب می‌شدم. تا این‌که یک روز در مدرسه‌ای ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آن‌جا عبور می‌کردند. چون به من رسیدند دست خود را روی شانه من گذاردند و گفتند: «ای فرزندا! دنیا می‌خواهی نماز شب بخوان، آخرت می‌خواهی نماز شب بخوان». (۷)

### ● حضرت امام علیه السلام و تقید به نماز شب

حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی علیه السلام نقل کرده‌اند: «شبی که از پاریس عازم ایران بودیم، امام در هواپیما برای نماز شب برخاستند و چنان می‌گریستند که خدمه ایرفرانس، تعجب کرده بودند و شنیدم که پرسیده بودند، آیا امام از چیزی ناراحت است؟ من گفتم: که کار هر شب امام است». (۸)

### ● پی‌نوشت‌ها

- ۱- حیات عارفانه فرزندانگان / ص ۱۳
- ۲- سیمای فرزندانگان / ص ۱۶۹
- ۳- حیات عارفانه فرزندانگان / ص ۵۷
- ۴- سیدمرتضی پرچمدار علم و سیاست / ص ۶۳، محمود شریفی
- ۵- حیات عارفانه فرزندانگان / ص ۴۰
- ۶- فرازهایی از وصیت‌نامه الهی، اخلاقی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی علیه السلام / ص ۲۲ و ۲۳
- ۷- حیات عارفانه فرزندانگان / ص ۳۵
- ۸- سیمای فرزندانگان / ص ۲۲۰

بزنید. بین ما و خدا حجابی وجود ندارد؛ خدای متعال به ما نزدیک است؛ حرف ما را می‌شنود. بخواهیم با خدا حرف بزنیم؛ خواسته‌های خودمان را از خدای متعال بخواهیم. این انس با خدای متعال و ذکر خدای متعال و استغفار و دعا خیلی تأثیرات معجزآسایی بر روی دل انسان دارد؛ دل‌های مرده را زنده می‌کند.

۱۳۸۷/۰۶/۲۹

### ● از خدای متعال عذرخواهی کنید

شب قدر، فرصتی برای مغفرت و عذرخواهی است. از خدای متعال عذرخواهی کنید. حال که خدای متعال به من و شما میدان داده است که به سوی او برگردیم، طلب مغفرت کنیم و از او معذرت بخواهیم، این کار را بکنیم، والا روزی خواهد آمد که خدای متعال به مجرمین بفرماید: «لایؤذن لهم فیعتذرون». خدای نکرده در قیامت، به ما اجازه عذرخواهی نخواهد داد. به مجرمین اجازه نمی‌دهند که زبان به عذرخواهی باز کنند؛ آن‌جا جای عذرخواهی نیست. این‌جا که میدان هست، این‌جا که اجازه هست، این‌جا که عذرخواهی برای شما درجه می‌آفریند، گناهان را می‌شوید و شما را پاک و نورانی می‌کند، از خدای متعال عذرخواهی کنید. این‌جا که فرصت هست، خدا را متوجه به خودتان و لطف خدا و نگاه محبت الهی را متوجه و شامل حال خودتان کنید. «فأذکرونی اذکرکم»؛ مرا به یاد آورید، تا من شما را به یاد آورم. ۱۳۷۶/۱۰/۲۶

### ● دل‌هایتان را با مقام والای امیرمؤمنان آشنا کنید

مناسبت شب قدر، یکی مناسبت دعا و تضرع و توجه به پروردگار است که ماه رمضان به‌خصوص شب‌های قدر، بهار توجه دل‌ها و ذکر و شوش و تضرع است. ثانیاً بهانه و مناسبتی است برای این‌که دل‌هایمان را با مقام والای امیرمؤمنان و سرور متقیان عالم قدری آشنا کنیم و درس بگیریم. هرچه که در فضایل ماه رمضان و وظایف بندگان صالح در این ماه بر زبان جاری شود و بتوان گفت، امیرالمؤمنین علیه السلام نمونه کامل آن و برجسته‌ترین الگو برای آن خصوصیت است. ۱۳۸۷/۰۶/۲۹

### ● به ولی‌عصر، ارواح‌نفاذ، توجه کنید

امشب را که شب قدر است، قدر بدانید. دعا، تضرع، توبه و انابه و توجه به پروردگار، جزو وظایف همه ماست. مشکلات عمومی مسلمین، مشکلات کشور، مشکلات شخصی‌تان و مشکلات دوستان و برادرانتان را با خدای خودتان مطرح کنید. از خدای متعال توجه بخواهید؛ از خدای متعال مغفرت بخواهید؛ از خدای متعال انابه و حال و توجه بخواهید.

امشب را قدر بدانید. شب بسیار مهمی است؛ شب بسیار عزیز است. به ولی‌عصر، ارواح‌نفاذ، توجه کنید؛ به در خانه خدا - مسجد - بروید و به برکت امام زمان از خدای متعال

خواسته‌هایتان را بگیرید. ۱۳۷۷/۰۱/۰۷

### ● در آیات خلقت و سرنوشت انسان تأمل کنید

از اول شب بخت و سوسم، از هنگام غروب آفتاب، سلام الهی - «سلام هی حتی مطلع الفجر» - شروع می‌شود، تا وقتی که اذان صبح آغاز می‌گردد. این چند ساعت این وسط، سلام الهی و امن الهی و خیمه رحمت خداست که بر سراسر آفرینش زده شده است. آن شب، شب عجیبی است؛ بهتر از هزار ماه، نه برابر آن؛ «خیر من ألف شهر». هزار ماه زندگی انسان، چقدر می‌تواند برکات و وجود آورد و جلب رحمت و خیر کند! این یک شب، بهتر از هزار ماه است. این، خیلی اهمیت دارد. این شب را قدر بدانید و آن را به دعا و توجه و تفکر و تأمل در آیات خلقت و تأمل در سرنوشت انسان و آن‌چه که خدای متعال از انسان خواسته است و بی‌اعتباری این زندگی مادی و این‌که همه این چیزهایی که می‌بینید، مقدمه آن عالمی است که لحظه جان دادن، دروازه آن عالم است، بگذرانید. ۱۳۷۵/۱۱/۱۲

### ● برای مسایل کشور و مسلمین دعا کنید

شب‌های قدر را حقیقتاً قدر بدانید. قرآن صریحاً می‌فرماید: «خیر من الف شهر»؛ یک شب بهتر از هزار ماه است! این خیلی ارزش دارد. شبی است که ملائکه نازل می‌شوند. شبی است که روح نازل می‌شود. شبی است که خدای متعال آن را به‌عنوان سلام دانسته است. سلام، هم به معنی درود و تحیت الهی بر انسان‌هاست، هم به معنای سلامتی، صلح و آرامش، صفا میان مردم، برای دل‌ها و جان‌ها و جسم‌ها و اجتماعات است. از لحاظ معنوی، چنین شبی است! شب‌های قدر را قدر بدانید و برای مسایل کشور، مسایل خودتان، مسایل مسلمین و مسایل کشورهای اسلامی دعا کنید. ۱۳۷۶/۱۰/۲۶

### ● حاجات خود و مؤمنان را از خدا بخواهید

نگاه کنید به حاجات خودتان، حاجات مسلمانان، حاجات کشورهایتان، حاجات برادران مؤمنتان؛ به مرض‌ها، به مرض‌دارها، به جانبازان، به غم‌دیده‌ها، به دل‌های غمگین، به چشم‌های نگران، به نیازهای فراوان انسان‌هایی که حول و حوش شما، زیر سقف شما و در کشور شما هستند، در دنیای اسلام هستند، روی کره خاک هستند. همه این حاجات را در این شب‌های قدر، یکی یکی از خدای متعال بخواهید. ۱۳۷۳/۱۱/۲۸

منبع: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای





اشاره: عالمان دین همواره ماه رمضان و روزه را سری از اسرار الهی و باب طاعات و عبادات دانسته و روزه را بهترین نوع عبادت برای تزکیه و تهذیب نفس و مصونیت قلب از امور دنیایی و قطع التقات از غیر حق می‌پنداشتند؛ لذا بیشترین و بهترین اوقات ماه مبارک را به تلاوت قرآن، ذکر، شب‌زنده‌داری، نماز و انواع نوافل اختصاص می‌دادند. از آن‌جایی که انسان برای دست‌یابی به مدارج بالاتر اخلاقی و تربیتی در زندگی، نیازمند الگو و سرمشقی مطمئن است، هفته‌نامه افق حوزه به مناسبت ماه مبارک رمضان با هدف آشنایی با سبک زندگی اسلامی بزرگان و عالمان دین و سیره عملی آنان در گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ جعفر تبریزی به سیره عملی آیت‌الله‌العظمی میرزا جواد تبریزی رحمه الله پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

#### ● طمانیه و حضور قلب در عبادت

در خصوص روش و برنامه‌های عبادی آیت‌الله‌العظمی تبریزی رحمه الله در ماه مبارک رمضان، باید گفت که مرحوم میرزا رحمه الله در ماه مبارک، سلوک و آداب خاصی برای برنامه‌های عبادی و معرفتی داشتند.

علاوه بر مطالعه و تحقیق منظم، بیشترین وقت‌شان در ماه مبارک، به عبادت و تهجد طی می‌شد. عبادت‌های ایشان بسیار با صبر و طمانیه همراه بود. حالتی داشت که آرام با معبود خودش سخن می‌گفت. در طول روز، به‌خصوص در ماه مبارک رمضان، یک وقار، طمانینه و هیبت خاصی داشتند و در عین حال بسیار متواضع بودند.

● **قرائت قرآن با تأنی، شمرده و همراه با تدبیر در معانی**
یکی از برنامه‌های دائمی و مستمر ایشان در این ماه، تلاوت قرآن و قرائت دعاهای وارده بود. بسیار به قرائت قرآن و دعا اهمیت می‌دادند. همیشه قرآن را با تأنی و شمرده و همراه با تدبیر در معانی می‌خواندند. لحن بسیار آرام و جذابی داشتند و هر که این حالت را می‌دید، مجذوب ارتباط معنوی آقا می‌شد. هر وقت هم هوا مساعد بود، ملتمز بودند دعاها را پشت‌بام خانه بخوانند.

#### ● شب‌زنده‌داری‌های مخلصانه

تهجد شب‌شان که همراه با نماز شب بود، واقعاً جلب نظر می‌کرد. سعی‌شان بر این بود که تمام توانایی خودشان را در جهت کسب معنویت بگذرانند. در عبادت‌شان به توحید رسیده بودند. سعی می‌کردند که تمام کارهایشان را برای خدا انجام دهند. واقعاً در عبادت و مناجات‌هایشان با خدا اخلاص داشتند. کسانی که با او حشرو نشر داشتند، شیفته روش الهی ایشان می‌شدند.

#### ● رمضان، رمضان است

هنگام مناجات و راز و نیاز با خدا، اشک‌هایشان جاری می‌شد و گریه می‌کردند. می‌فرمودند: این دعاها، وسیله برای نزدیک شدن به خداوند متعال و برای کسب توفیق است تا این‌که از لغزش‌ها در امان بمانیم. رمضان، رمضان است برای انسان‌هایی که دنبال سعادت اخروی هستند، دنبال این هستند که لغزش‌ها را جبران کنند و بتوانند آینده‌ای جاویدان داشته باشند. دنیا دار فنانست، «اغْتَبِمُوا الْفُرْصَ



#### ● عرض احترام و تقدیم مقدرات به امام عصر رحمه الله

وقتی ملائکه بر امام زمان رحمه الله نازل می‌شوند، چه کاری خواهند کرد؟ قرآن می‌فرماید: «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»؛ از شب تا صبح، فرشتگان فوج به خدمت امام عصر رحمه الله رسیده و به ایشان عرض سلام می‌گویند. برای ملائکه توفیق و شرافتی است که در شب قدر اجازه یابند تا به خدمت امام زمان رحمه الله رسیده و به ایشان ادای احترام کنند. اما نکته دوم که در روایات شیعه از حد خیرواحد فراتر است، آن است که ملائکه نازل می‌شوند تا مقدرات سال را برامام زمان رحمه الله عرضه نمایند. به‌ویژه در شب بیست‌وسوم که مقدرات عالم به امضاء رسیده و قطعی شده است را به حضور امام زمان صلوات‌الله‌علیه ارائه داده و ایشان از تمام مقدرات امت تا پایان سال بعد و شب قدر دیگر، آگاه می‌شوند.

پس از «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ»؛ حضرت سجاد رحمه الله در دعا می‌فرمایند «سَلَامٌ ذَاتُهُ الْبِرَكَّةُ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ»؛ حضرت در این فراز آیه «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»؛ را تفسیر می‌کنند. یعنی برکت این شب هم‌چنان تا طلوع فجر دوام دارد. پس از آن می‌فرمایند: «عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ»؛ بر کسی که خدا می‌خواهد نازل می‌شوند تا مقدرات الهی را بر او ارائه دهند. در «عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»؛ امام سجاد رحمه الله با صراحت نمی‌گویند که بر چه کسی نازل می‌شوند، اما با کنایه می‌فرمایند کسی وجود دارد که خدا می‌داند، فرشتگان باید بر او نازل شوند. با توجه به این‌که امام سجاد رحمه الله امام چهارم بوده‌اند اگر خود یا یکی از امامان گذشته را معرفی می‌نمودند دیگر بر کسانی که فرشتگان بر آنان، پس از امام چهارم نازل می‌شدند، دلالت نمی‌کرد. با این کنایه فرموده‌اند که هر سال کسی وجود دارد که خدا می‌خواهد تا ملائکه بر او نازل شوند. این فراز بر وجود امام و حجت خدا اشاره دارد. اما فرشتگان به چه چیزی را برای امام رحمه الله می‌آورند «بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ»؛ فرشتگان و روح نازل شده و به همراه خود قضاء محکم و

## قلب امام زمان عَجَزَ اللهُ تَعَالَى فرجَه الشَّيْخِ

#### آیت‌الله مصباح یزدی

مقدرات حتمی را ارائه می‌دهند. قضاء محکم به مقدراتی گفته می‌شود که از مرحله تقدیر گذشته، به قضاء رسیده و از قضاء به امضاء رسیده و محکم شده است. به‌گونه‌ای که دیگر قابل تغییر نیست.

#### ● امام چه نیازی به علم ملائک دارد؟

در این‌جا یک سؤال اعتقادی، درباره علم امام مطرح می‌شود. طبق روایات ما معتقدیم که امام «عالم بما کان و ما یکون»؛ یعنی امام به آن‌چه که بوده و خواهد آمد، علم دارد. در روایات دیگری نیز آمده که بر علم امام افزوده می‌شود. در روایات دیگری نیز اشاره شده که در هر شب جمعه بر علم امام افزوده می‌شود<sup>(۱)</sup>، آیا این‌که در هر سال فرشتگان در شب قدر، مقدرات عالم را به امام رحمه الله ارائه می‌کنند، با علم امام رحمه الله به همه امور تناقض ندارد؟ از سویی گفته می‌شود امام عالم به همه امورات و از سویی فرشتگان مقدرات هر سال را به او در شب قدر ارائه می‌کنند. این دو با هم چگونه جمع می‌شوند؟ دانایی و ادراک امور توسط امام معصوم در شب قدر و شنیدن مقدرات تابع شرایط مادی و این عالم نیست. اگر ما بخواهیم سخنی را بشنویم یا چند صفحه‌ای را بخوانیم چندین دقیقه فرصت می‌خواهد اما شنیدن و دیدن امام معصوم به فرصت و زمان معمول در عالم مادی نیاز ندارد. در یک زمان کوتاه ممکن است بسیاری از امور را بشنود یا بخواند. مرحوم کربلایی کاظم، بدون داشتن مقام عصمت و امامت، همه آیات قرآن را در مدت خیلی کوتاهی فرا گرفته و حافظ شد و آن‌ها را می‌خواند. بر همین اساس ما عوالم مرتبته داریم که زمان در آن همانند زمان در عالم مادی نیست. در عالم ماده نیز ممکن است زمان‌ها فرق کنند. دانشمندان علم نجوم و هیبت در این‌باره نظریاتی دارند که آیا زمان در دیگر سیاره‌ها و کرات، همانند زمان در کره زمین ماست؟ بر همین اساس هنگامی که مقدرات یک امت به امام رحمه الله ارائه می‌شود به این معنا نیست که نیاز به زمان طولانی باشد بلکه امام رحمه الله در مدت کوتاهی



قَائِلَهَا تَمْزُرَ السَّحَابِ». این فرصت ماه رمضان را مغتنم بشمرید و از آن بهترین استفاده را بکنید. فرصت‌های معنوی و طلایی ماه مبارک رمضان، فرصت آشتی با خدا، فرصت تقویت اراده و تصمیم‌گیری، فرصت رفع کدورت و فرصت پیوند با ولایت است.

#### ● عمل به مستحبات ماه رمضان

ماه رمضان، از جمله ماه‌هایی است که اعمال مستحبی بسیاری در آن وارد شده است. از جمله اعمالی که در این ماه سفارش شده نماز و غسل در شب‌های ماه مبارک رمضان است. مرحوم میرزا به نماز و اغسال مستحبی ماه مبارک نیز مقید بودند.

#### ● قدر شب قدر را بداند

شب‌های احیاشان مملو از معنویت بود. توصیه می‌کردند: شب‌های قدر، شب‌های مزد گرفتن است. برای همه دعا کنید و از خداوند متعال بخواهید که همه را مورد لطف و مرحمت امام زمان روحی له الفداء قرار بدهد. مکرر تذکر می‌دادند و یادآوری می‌کردند که نامه‌های اعمال ما، در این شب‌ها به امام زمان رحمه الله عرضه می‌شود. این شب‌ها با فضیلت‌ترین شب‌های سال است. شب رحمت الهی است. فرشتگان به زمین می‌آیند و مقدرات سال‌های آینده بندگان، بر امام عرضه می‌شود و امام نظری می‌دهند، لذا می‌فرمودند: دقت کنید قدر شب قدر را بدانید.

#### ● ماه سکوت و محاسبه

مرحوم تبریزی در ماه مبارک رمضان کم صحبت می‌کردند، کم می‌خندید و همیشه مشغول ذکر بودند. البته ایشان در طول سال هم بسیار ساکت و کم‌حرف بودند و سعی می‌کردند به حد ضرورت صحبت کنند. حرف‌هایشان بسیار حساب شده بود و از اوقاتشان حد اکثر استفاده را می‌کردند. پدري مهران و دلسوز بودند، دوست داشتند همه مردم در صراط مستقیم الهی باشند لذا همیشه توصیه می‌کردند: محاسبه اعمال را حتی المقدور سرلوحه و خاتمه اعمال خود قرار دهید. یاد خداوند متعال و قیامت را در دل خود زنده بدارید و از معاشرت با اشخاص و دوستان ناشایست و کارهایی که دل را سیاه و سلب توفیق می‌کند و از مجالس معصیت اجتناب نمایید. با دوری از گناه و

عمل به وظایف شرعی که در رساله عملیه ذکر شده است، رضایت پروردگار جلب کنید.

#### ● دارای لحن و صدای آرامی بودند

با صدای آرام و شمرده حرف می‌زدند. از حرف‌های بی‌فایده جداً پرهیز می‌کردند. محور اصلی حرف‌هایشان، نصیحت و تذکرات اخلاقی و یا بیان مسایل علمی بود.

## توصیه‌های اخلاقی و سیره عملی آیت‌الله‌العظمی میرزا جواد تبریزی رحمه الله

## در ماه مبارک رمضان



## توصیه‌های اخلاقی و سیره عملی

## آیت‌الله‌العظمی میرزا جواد تبریزی رحمه الله

## در ماه مبارک رمضان

هر کسی که مخاطب نصیحت‌های ایشان می‌شد، به عینه می‌دید و متوجه می‌شد که مرحوم میرزا، خودشان به آن‌چه تذکر می‌دهد، عمل می‌کنند، لذا نصیحت‌هایش تأثیرگذار بود.
● **توصیه‌هایی فقیه‌اهل‌بیت رحمه الله به جوانان**
می‌فرمودند: در استفاده از ایام جوانی و سرمایه عمر، کمال

اقتضای می‌کند که بدانند. آن زمانی هم که نمی‌دانند و حتی اظهار می‌کنند که نمی‌دانند، آن زمانی است که مصلحت در آن است که آن علم را نداشته باشند.

#### ● علم در جیب و علم در برابر چشم

در این‌جا سؤال مطرح می‌شود که آیا در این حال که امام رحمه الله می‌فرماید: «نمی‌دانم»؛ یعنی هیچ علمی ندارد؟ مرحوم حاج شیخ عبدالکریم رحمه الله، می‌فرمودند: «علم دو گونه است. یک علم داخل جیبی داریم و یک علم دیگر علمی است که اکنون آن‌را با چشم می‌بینیم»؛ این نکته در مسایل فقهی بسیار پیش می‌آید. به‌عنوان مثال در هنگام سحر انعام نمی‌داند طلوع فجر شده است یا نه! این‌جا درست نیست که بگوییم من نمی‌دانم و سپس به غذا خوردن ادامه دهد. اگر جست‌وجو نمود و به آسمان نگاه کند، می‌بیند که فجر، طلوع کرده است یا نه. این مطلب را به زبان ساده‌تر می‌شود گفت، در امکانات پیشرفته امروزی مثل تلفن همراه و ضبط با فشار دادن یک دکمه می‌توان از اطلاعات فراوانی استفاده کرد. این‌که گفته می‌شود ائمه اطهار رحمه الله «بما کان و ما یکون»؛ هستند همانند چنین علمی است. ائمه اطهار رحمه الله همانند فشار دادن دکمه، باید در درون خود توجه کنند و بگویند: «خدایا به ما نشان بده»؛ اما زمانی که می‌گویند نمی‌دانیم، هر زمان که بخواهند، می‌توانند بدانند. آن هم زمانی است که خدا خواسته است چون آن‌ها از خود اراده‌ای ندارند. همه امور خود را به خدا سپرده‌اند و خدا نیز عهده‌دار شده، تا هر کاری را که آن‌ها باید با اسباب انجام دهند، بدون اسباب برای آن‌ها انجام دهد. «فَلَوْنَا أَوْعَيْتَ لَمَشَيْتَهُ اللهُ»؛ هر چه خدا بخواهد در دل ائمه اطهار رحمه الله ظهور می‌دهد.

#### ● با خدا باش، پادشاهی کن؛ بی‌خدا باش، هر چه خواهی کن

ممکن است سؤال شود که آیا این امور جبری است؟ باید پاسخ گفت که مقدمات این امور اختیاری است. اینان تلاش کرده‌اند تا این‌گونه شده‌اند، خود را به خدا سپرده‌اند، تا خدا نیز ولایت آنان را پذیرفته است. ما که حاضر نیستیم تا دستورات خدا را انجام دهیم، نباید توقع داشته باشیم که خدا برای ما نیز، این ولایت را قرار دهد. آن کسی که نه تنها به واجبات بلکه به هر چه که خدا دوست دارد، اهمیت داده و مستحبات راترک نمی‌کند، سزاوار است که خدا نیز عهده‌دار کارهای او شود. این مقدمات اختیاری است. نتایج اموری که با اختیار انجام می‌شود، نیز اختیاری است.

#### ● پی‌نوشت‌ها

- رک: الکافی /ج/۱/ص/۲۶، بَابُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ يَتَلَمَّذُونَ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ؛
- رک: الکافی /ج/۱/ص/۲۵۳، بَابُ فِي أَنَّ الْأَئِمَّةَ يَتَلَمَّذُونَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ؛
- بحارالانوار/ج/۵۲/ص/۵۰/باب/۱؛
- الکافی /ج/۲/ص/۳۵۲؛
- تکویر/۲۹.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مصباح یزدی

